

کودتاجیان آمریکائی در جبهه جنگ با عراق، علیه امپریالیسم آمریکا!!

با شروع جنگ میان ایران و عراق، جناحهای دستاندرکار حکومت جمهوری اسلامی فرصت را غنیمت شمرده و تا با اعمال سیاست خود در رابطه با چگونگی پیشبرد جنگ گوی سبقت را از یک دیگر بریایند و جناح و سیاست خود را در کل حاکم گردانند. در این میان بنی صدر با تکیه بر ارتش میگوید قدرت خود را به رخ حریف، یعنی حزب جمهوری اسلامی بکشد. بارها اعلام داشته‌ایم که ارتش بر پایه یک سیستم ارتجاعی بنا نهاده شده است. اینک نیز باز هم بر این امر پای میفشاریم. بخاطر داریم که چندی پیش بدنبال عقیم بقیه در صفحه ۳

همدستی با کفار بعثی عراق،

بهانه دیگر حکومت برای یورش به کردستان

همزمان با تشدید جنگ میان حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی و رژیم بعثی عراق، خلق قهرمان کرد مورد یورش همه جانبه ای قرار گرفته است. از سویی ارتش عراق با بمباران های مداوم و از سوی دیگر سرکوبگران حکومت جمهوری اسلامی. در این میان مسئله جنگ فرصت مناسبی بدست حکومتگران ایران داده است تا بهانه جنگ با عراق، با اعزام ستونهای ارتش به کردستان قهرمان، رزمندگان کرد را مورد تهاجم قرار دهد. سازمان پیشمرگان مسلمان کرد نیز که نقش چماق سرکوب حکومت را در کردستان ایفا میکند، بایمیره گیری از اوضاع متشنج حاصل از جنگ، ضمن تهاجم وحشیانه به خلق کرد میگوید با تبلیغات دروغینی از اعتبار پیشمرگان کومه له در میان مردم بکاهد. در این ارتباط است که اخیراً ضمن بیانیه ای خبر از "تأسیس ستاد مشترک چریکهای فدائی (اکثریت)، حزب دمکرات، کومه له و رزگاری برای همدستی با کفار بعثی عراق" میدهد و سپس روزنامه های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در تاریخ چهارشنبه ۱۶ مهر باتیتر و عنوان درشت این بیانیه را چاپ میروانند. ایسن بقیه در صفحه ۴

اخراج دانش آموز مبارز از دبیرستان دخترانه فاطمی

بدنبال باز شدن مدارس و درسی بخشنامه اداره کل آموزش و پرورش مبنی بر ممنوعیت بحث و تبلیغ و فعالیت سیاسی در مدارس، شاهد سیاست سرکوب در همه مدارس هستیم این سیاست مستقیماً توسط مدیرانی که حکومت را تأیید می کنند و بخصوص نسبت به حزب جمهوری اسلامی گرایش خاصی دارند، اعمال میشود و دقیقاً بخاطر اعمال همین سیاست است که مدیران برخی از مدارس فعالیت های انجمن های اسلامی را مجاز شمرده و متحد او با تمام قوا به مقابله با دانش آموزان هوادار نیروهای انقلابی و کمونیست برمی خیزند. این مقابله تا آنجایی پیش میرود که بعضاً به اخراج دانش آموزان مبارز منجر میشود. آنگونه که در دبیرستان بقیه در صفحه ۴

رنجیر روی زمین اتحاد
پیکار خلق
یکشنبه ۲۰ مهر ۵۹
گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

پیرامون جنگ ایران و عراق

چندی است که جنگ ناگهانی میان دو دولت ایران و عراق بوقوع پیوسته است. مانظر خود در مورد سرشت چنین جنگهایی را در شماره قبل بیان داشتیم. این بار میخواهیم که سوء استفاده ها و دریناه آن قدرت یابی دو جناح حکومتی، جناح حزب جمهوری اسلامی و جناح بنی صدر را مورد نظر قرار داده و در آن ارتباط مسئله آتش بس را که از جانب رژیم بعثی عراق به دولت ایران پیشنهاد شد و مورد توافق قرار گرفت، مورد ارزیابی قرار دهیم. قبلاً بیان کردیم که از نظر تسلیحاتی ارتش ایران وابستگی تام و تمامی به زرادخانه های امپریالیستی آمریکا دارد. از آنجائیکه سطح دانستی های علمی و فنی در ایران در ساختن اسلحه های پیچیده بسیار بسیار نازل است و از آنجائیکه بخش تسلیحات در ارتباط مستقیم با اقتصاد وابسته ایران است، نمیتواند این بخش متکی بخود باشد. این عدم اتکا بخود امپریالیسم آمریکا را واداشته است که بهترین و مناسب ترین موقعیت را برای وابسته تر کردن اقتصاد ایران بخود بیابد. از همین امروز نشانه های آن ظاهر شده اند. در مطبوعات خبرهایی چشم میخورد حاکی از اینکه پاکستان حاضر است هلیکوپترهای ایران را تعمیر نماید و یا اینکه آمریکا آماده است وسائل نظامی و یدکی آنها را به ایران بفروشد. اما نباید فراموش کرد که ایتالیا هم وسائل یدکی ارتش ایران را قبلاً فراهم مینموده است. همه بقیه در صفحه ۲

پیرامون جنگ ...

میدانیم که پاکستان دارای آنچنان سطحی در تکنیک و علم نیست که بخواهد مستقلانه دست به تعمیر هلیکوپترهای ایران بزند. هلیکوپترهای آمریکائی ارتش ایران ظاهراً بوسیله پاکستان ولی در اصل بوسیله کارخانه های انحصاری اسلحه آمریکا تعمیر خواهد شد. کما اینکه امپریالیسم آمریکا با واسطه قرار دادن دیگر ولتها چون ایتالیا و سائیلیدکی ارتش ایران را تأمین نموده است. در اینجا امپریالیسم آمریکا در رساندن چنین قطعاتی به رژیم جمهوری اسلامی ایران از تکنیک فشار و عرضه استفاده می نماید. فشار از این لحاظ که این حکومت کاملاً بخود وابسته گرداند و عرضه از آن جهت که این حکومت بسوی امپریالیستهای دیگر روان نگردد. قابل توجه است که دست اندرکاران حزب جمهوری اسلامی برای آنکه از امپریالیسم آمریکا بیشتر دلبری نمایند، ظاهراً بلوک شرق وارد مذاکره می شوند و حتی تا آنجا که مطبوعات ایران نوشته اند و روسیه شوروی آنرا تکذیب نموده است، گویا این دولت میخواهد اسلحه ها تحویل ایران بدهد. اما هم حزب جمهوری اسلامی میدانند که در بلوک غرب مانند نفع اوست و هم جناح بنی صدر. جناح بنی صدر در این مسئله رک تر سخن میگوید. بنی صدر معتقد است که در این جنگ، ایران در افکار انی ایزوله شده است و بایستی فوری از ایزوله بودن خلاصی یافت. بنی صدر فعلاً جرئت آنرا ندارد که صریحاً بیان دارد که می بایستی دیپلماسی ای را در پیش گرفت که در بلوک غرب پابرجا ماند. روزنامه انقلاب اسلام می خیلی محتاطانه در مورد سیستم ارتش می نویسد "سیستم نظامی ایران نیز سیستم آمریکائی است و بالاخره لوازم یدکی و بعضی چیزها لازم دارد. اما انقلاب اسلامی با تغییر بینش و روش در روحیه ارتش و مردم میهن ما به ابتکارات و ابداعات وسیعی انجامید و می انجامد و کشور می رود که حتی در زمینه های لوازم ارتشی و بکار انداختن و ساختن قطعات یدکی در جهت خود کفایت گام بردارد. اما کار خود کفایت گام کامل زمان لازم دارد و در این مدت بالاخره بایستی قطعات را از طریق واسطه و غیره خرید. برارویا و ژاپن و جهان سوم است که در برابر تجاوز طبعاً

حسین بی طرف نمائند، چون بی طرفی وادامه جنگ بیش از همه به اینها صدمه و زیان خواهد زد". (انقلاب اسلامی ۱۲ مهر ۵۹) می بینید که با چه تردستی از یکطرف سیستم که جزئی از سیستم حاکمه است، و وابسته نشان داده میشود بدون آنکه به کل سیستم برخورد شود. اما اصل قضیه از اینجا آغاز میشود که قطعات یدکی را چه از طریق واسطه و غیره باید خرید. این غیره دیگر چه صیغه ای است؟ بنظر ما روزنامه انقلاب اسلامی که در واقع سخنگوی جناح بنی صدر است، شهادت نداشته است که بنویسد این جناح راغب است که از امپریالیسم آمریکا خریداری شود و بعد هم از اروپا و ژاپن که خود در بلوک امپریالیستی غرب هستند تقاضا میشود که در مقابل "تجاوز عراق" بی طرف نمائند و البته هشتاد و نه درصد صدمه آن که همانا رسیدن نفت به آنهاست، متوجه آنان خواهد شد. ضمناً این روزنامه فراموش نکرده است که واژه "جهان سوم" را که عمدتاً حکومت های وابسته به امپریالیستهای رنگارنگ هستند، بعنوان جاشنی بکاربرد.

پس از اینکه بنی صدر منزوی شدن ایران را طرح میکند، حزب جمهوری اسلامی فوری در مقابل این اظهار موضع میگردد و در بیانیه اش که در ۱۷ مهر ۵۹ در روزنامه جمهوری اسلامی بچاپ میرسد، ابرازی ندارد که اگر انقلاب اسلامی مامزوی بود هیچ دولتی بخود زحمت یورش بر مارانی داد. در هر حال این جنگ نه آنطوریکه تبلیغ میشود باعث وحدت این دو جناح از هیئت حاکمه شده است، بلکه در عمق خود باعث رقابت های فراوانی در بین آنها شده و یا خواهد شد. از هم اکنون میتوان رقابت های آنان را در مورد ارتش و سپاه پاسداران بخوبی دید. حزب جمهوری اسلامی سعی فراوان مینماید که سپاه پاسداران را که عمدتاً در دست او متمرکز شده است، بعنوان تنها نجات دهنده ایران از تجاوز نظامی عراق در افکار توده های ناآگاه بنشانند و جناح بنی صدر هم کوشش میکند که ارتش را بعنوان تنها ناجی ایران بحساب آورد. در تبلیغات سعی فراوان شده است که ارتش بمثابة "پناه ملت" یا "دوست ملت" تلقی شود. چه سرود ها و چه اشعار که در مورد ارتش سرانیده نشده و چه تانکیهای روانی که بکاربرد نهفته تا ارتش را جنبه ملی و انقلابی

بخشد. البته باید یاد آور شد که جناح بنی صدر در این امر تا حدودی موفقیت داشته و لهذا این جناح از این "موقعیت طلایی" کمال استفاده را میکند تا بتواند انسجام درونی ارتش را از طریق اطاعت کورکورانه و خرید تسلیحات از دولتهای امپریالیستی برحق جلوه دهد. این جنگ برای جناح بنی صدر این فایده را داشت تا بتواند جناحش را در مقابل رقیب یعنی حزب جمهوری اسلامی کاملاً مستحکم گرداند. هر دو جناح سعی میکنند که با فرستادن عناصر و مهره های خود به جبهه های جنگ، به نفع جناح خود و محکم کردن پایه های خود برای حال و آینده تبلیغات کنند. فرستادن طلبه های حوزه های علمیه و افسران چون بازرگان و یزدی و در این ارتباط است. در رابطه با مسائل فوقی است که میبایستی پیشنهاد آتش بس را از طرف رژیم عراق و نیز یقین آن از سوی هیئت حاکمه ایران را مورد بررسی قرار داد. دولت بعثی عراق که به تصرفاتی در داخل خاک ایران دست زده است در حقیقت از موضع یک قدرت ارتجاعی تقاضای آتش بس نمود تا از یکطرف در تبلیغات جهانی برای "صلح طلبی" خود تبلیغ کند و از طرف دیگر در صحنه نبرد رژیم گیتی ایران را در یک موضع ضعیف مورد حملات دیپلماتیک و نظامی قرار دهد. جناحهای حاکم ایران متحد آمیخواهند که خود از جنبه قدرت بر رژیم بعثی عراق چنان لحاظ دیپلماتی و چه از لحاظ نظامی فشار وارد آورند. قابل ذکر است که در بین حزب جمهوری اسلامی و جناح بنی صدر در مورد گفتگو با دولت عراق هم اختلاف نظر وجود دارد. حزب جمهوری اسلامی معتقد است که باید رژیم صدام حسین ساقط شود و تا زمانیکه رژیم او حاکم است هیچگونه مذاکره ای با او انجام نخواهد شد، اما جناح بنی صدر بر این اعتقاد است که اگر نیروهای نظامی عراق به مرزهای قبل از جنگ برگردند، مذاکره با همین حکومت امکان پذیر است. ما معتقدیم که بیان چنین نقطه نظرانی گرچه بیانگر دوراندیشی و یاغیر دوراندیشی جناحها سرمایه داری ایران است، اما این عمل عمدتاً بیانگر رقابت دو جناح بر سر قدرت هرچه بیشتر و استحکام آن در حال و آینده است. هیئت حاکمه از آن جهت در حال

کود تا جیان ...

ماندن کود تا بعد مای از خلبانان و افسران ارشد در رابطه با طرح کود تا دستگیر و راهی زندان و برخی نیز "پاکسازی" شدند اختلاف حزب جمهوری اسلامی و جناح بنی صدر در همین رابطه بالا گرفت. حزب جمهوری اسلامی که سپاه پاسداران را در قبضه خود در آورده و در صدر بود تا جناح رقیب را در ارتش بکنا ر زده و در آن جا هم موضع سلطه بیابد ، با روشن شدن مسئله کود تا بر علیه لیبرالهای حلقه زده بدور بنی صدر تاخت گرفت. جناح بنی صدر کوشید تا "آبروی" بر باد رفته ارتش را تأمین سازد. در این میان شعار "ارتش برادر ماست" تا حدودی رنگ باخت. خمینی دستور اعلام همه کود تا جیان را صادر کرد و دادگاههای "انقلاب" رونقی دوباره یافت. جناح بنی صدر در جستجوی فرصت مناسبی بود تا از این "پاکسازی" ها و اقدامات جلوگیری کند. اینک جنگ حکومتی عراق و ایران این فرصت را دست داد است. فرصتی که میبایستی برای تطهیر ارتش بهره جست. روزنامه انقلاب اسلامی در تاریخ شنبه ۱۲ مهر در سرمقاله خود خبر نامیون بازگشت مزدوران ارتش شاهنشاهی را میدهد: "تعدادی با میل خود به خدمت بازگشته و از وطن اسلامی خویش دفاع میکنند و در حال حاضر در جبهه های جنگ با ایمان هر چه تعاضد می دهند" و سپس بنی صدر در یک مصاحبه تلویزیونی این امر را تأیید کرده و برای آنها طلب آفرین میکند: "توده های زحمتکش ماحق دارند بپرسند اینان که بازگشته اند چه کسانی هستند؟ مگر نه اینکه حکومت جمهوری اسلامی برای توجیه جنگ خود با عراق از روحیه ضد امپریالیستی توده ها بهره جسته و تبلیغ میکند که این جنگ جنگ با آمریکا است؟ مگر نه اینکه بسیاری از فرماندهان مزدور در رابطه با یک کود تا ی آمریکا دستگیر و "پاکسازی" شدند؟ و مگر نه اینکه این خلبانان و افسران ارشد در یک ارتش با سیستم آمریکائی تعلیم و تربیت یافته اند؟ پس چگونه است که اینان امروز از زندانها آزاد میشوند تا با آمریکا در جبهه جنگ با عراق بجنگند؟ چگونه است که یک شبه اینان توبه کرده و تطهیر میشوند؟ اینان یو

که تا دیروز از "وطن شاهنشاهی" خود دفاع میکردند ، چگونه امروز از "وطن اسلامی" خویش "دفاع" میکنند؟ آیا اینان که بهنگام جنگ میان حکومت مغفور پهلوی و رژیم عراق به جبهه گسیل شده بودند ، آن زمان از چه "دفاع" میکردند؟ آیا آن زمان هم با "کفر" صدام حسین میجنگیدند؟ لابد آن زمان هم علیه امپریالیسم آمریکا بودند؟! چه رژیم فاشیستی شاه نیز بسیار بر علیه "ابر قدرت ها سخن میگفت" و گویا خلبانان ارتش شاهنشاهی بخاطر همین سخنان آریا مهر درگیر جنگ با عراق شده بودند! آری ، اطاعت کور کورانه تا مفر استخوان ارتش های وابسته چون ارتش ضد خلقی ایران نفوذ دارد. ارتش ماشین سرکوب دولتهای ارتجاعی حاکم است. برای ارتشهایی با سیستم ارتجاعی "وطن" یا "دفاع از میهن" مفهومی ندارد. هر آنجا که منافع طبقات حاکمه در خطر افتد ، این ماشین بکار میافتد تا از آن منافع دفاع کند. بنابر این تبلیغات حکومت در مجموع و علی الخصوص جناح بنی صدر مبنی بر اینکه افسران ارشد و خلبانانی که در رابطه با کود تا ی آمریکائی زندانی بوده و اینک در جبهه های جنگ با ایمان هر چه تعاضد می میکنند و "از وطن اسلامی خویش دفاع میکنند" ، عوام فریبی ای بیش نیست. البته در ایمان مزدوران نسبت به رژیم سرمایه داری وابسته شکی نیست. بیاد دارم ریم خشم توده های زحمتکش را نسبت به افسران و خلبانانی که در طرح کود تا و پیاده کردن آن نقش داشتند. حال همین مزدوران جان سالم بدر بردند و چون مای در خدمت تحکیم جمهوری اسلامی هستند. حکومت این خشم را میبندد اما میدانده که بایستی بطریقی آتش این خشم را فرو نهند لذا با تبلیغ "دفاع از میهن" بر آن آب سرد می پاشد. اینک جنگ وسیله ای شده است در دست حکومت تا با توجیه ساختن از همان توده ها بسوی آن ، اوضاع درونی خود را سامان دهد و سیاستهای مرتجعانه خویش را با خیال آسودنتری به اجرا در آورد. لذا آب تطهیر ریختن بر روی مزدوران ارتشی و باز گردانیدن آنها ، بوسیله شعار "دفاع از میهن" توجیه میشود. از سوی دیگر جناح بنی صدر با پای فشردن بر این امر و تبلیغ "جائغشانی" های "ارتش میکوشد تا برای جناح خود اعتبار اکسب کند" باز هم میگویم این جنگ

حکومتی ارتجاعی است و توده های زحمتکش را از این نه تنها بهره ای نیست ، بلکه به فلاکت و فقر بیشتر آنها میانجامد. شرکت مزدوران آمریکائی ارتش در این جنگ تبلیغ حکومت را در "دفاع از میهن" و "جنگ با آمریکا" نقش بر آب کرده و حکومت جمهوری اسلامی را بیش از پیش رسوا میسازد.

پیرامون جنگ ...

حاضر موافق قطع جنگ نیست که:

۱- بوسیله ادامه جنگ میتوانند به ارتش و سپاه پاسداران و ملحقات آن انسجام هر چه بیشتری بخشند.

۲- سعی کنند از وقوع جنگ کمال استفاده را برای قدرت یابی هر چه بیشتر خویش بنمایند.

۳- توده های نا آگاه را که کم کم از حکومت میبرند ، بیشتر بخود ملحق گردانند.

۴- ایران را بعنوان قدرتی در منطقه خلیج که میتواند تأمین نفت دول امپریالیستی و امنیت گذرگاههای نفت را تضمین نماید ، به ثبت برسانند.

۵- در اثر ادامه جنگ و خرابیهای ناشی از آن ، در لولای بر طرف ساختن این خرابیها و یا خنثی ساختن تجاوز و وابستگی خلقهای کشور ما را به امپریالیست ها مشرعبیت بخشند.

توده های زحمتکش خلق ما باید بدانند که از این جنگ بر طبق اصول لنینیسم که "جنگ ادامه" سیاست است البته از راه های دیگر "تنها سرمایه داران و هیئت حاکمه در خدمت آنانند که سود می برند ، نه آنها. چه سیاستی که تاکنون از سوی حکومت اعمال میشده است ، بهیچوجه در خدمت تأمین منافع زحمتکشان نبوده و لذا ادامه این سیاست هم از طریق جنگ نفعی برای زحمتکشان در بر نخواهد داشت بنابر این توده های زحمتکش ایران تنها تحت رهبری پرولتاریا با نابودی حکومت سرمایه داران و برقراری حکومت زحمتکشان قادرند که جنگهای نا عادلانه را به جنگهای واقعا آزادی بخش که خلقها واقعا سر نوشت خویش را بدست گیرند ، تبدیل نمایند.

تنها با استقرار یک حکومت مردمی است که دفاع از میهن مفهوم می یابد و در غیر این صورت دفاع از میهن فریبی بیش نیست.

همدستی با ...

کوردلان می پندارند که از اینگونه اراجیف طرفی خواهند بست. کیست که نداند سپاه زرگاری از سوی رژیم بعثی عراق تقویت میشود و معتبر اینکه کیست که نداند سازمان زحمتکشان کردستان (کومله) چنگی بین خود به خلق سلاح سپاه زرگاری اقدام ورزید. موضع کومله در مقابل سپاه زرگاری و رژیم بعثی عراق برای خلق قهرمان کرد روشن است. پیشمرگان کومه له آشتی ناپذیری خود را به رژیم بعثی عراق به ثبوت رسانیدند و نمونها این بلکه طی دو سال اخیر ضمن مبارزه و سازماندهی تودمهای زحمتکش کرد به مقاومت جانانهای در مقابل حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی دست زده است و درست به همین جهت در دل زحمتکشان کرد جای دارد. دقیقاً همین مبارزه و مقاومت است که نفرت و کینه حکومت و اجیر شدگان، چون سازمان پیشمرگان - سلطان کرد را برانگیخته است که این چنین دست به تهاجم و تبلیغات عوامفریبانه زد مانند ستاد مشترک ارتش و سپاه پاسداران نیز در این میان بیاری اثبات از "سازمان پیشمرگان مسلمان کرد" برخاسته است. در روز سه شنبه ۱۵ مهر میان رزمندگان کرد و پیشمرگان مسلمان کرد در روستای نشور بین راه سنج - کامیاران درگیری سختی در میگیرد. مقاومت جانانه رزگران رزمده کرد، پیشمرگان مسلمان را هراسناک میکند. بدنبال این درگیری ستاد مشترک ارتش و سپاه پاسداران اعلام صادر میکند مبنی بر اینکه "بگفته ناظران عینی در این درگیری نظامیان دولت بعثی عراق در میان مهاجمین دیده شده اند که ضد انقلابیون را یاری داده و بموت نیروها انقلاب تیراندازی کردند." (انقلاب اسلامی چهارشنبه ۱۶ مهر ۵۹). جالب است تا کنون بدنبال هر یورش به خلق کرد اینگونه تبلیغ میشد که گویا عوامل سالارچا بالیزان و اویسی در میان رزمندگان دلیر کرد بودند و البته با همین تبلیغات نیز چند صباحی توانستند سرکوب خلق بیخا کرد را توجیه کنند. اما اینک که دیگر حجتا "همدستی با جافها" و غیره رنگی ندارد، خبر از وجود "نظامیان دولت بعثی عراق"

اخراج چهار ...

دخترانه فاطمی (ناحیه ۱۱) شاهد بود که چندی پیش در میان تعدادی از دانش آموزان مدرسه مباحثه در میگیرد. مسئولین مدرسه از حیطه خانم شعبانی مدیر دبیرستان که مجری بخشنامه فوق الذکر آموزش و پرورش می باشند و از آنجائیکه می هراسیدند که مبادا در میان این بحثها برخی از دانش آموزان به بسیاری از مسائل و مشکلات جامعه آگاهی یابند، کوشیدند تا تحت این عنوان که "اینجا محل درس است نه تبلیغ سیاسی و شما باید شرایط سیاسی کشور را نیز در نظر بگیرید" دانش آموزان مبارز را که خواهان مجاز بودن بحث در مدرسه بودند، مورد مواخذه قرار دهند و چون با مقاومت دانش آموزان مبارز روبرو شدند ضمن تماس با آموزش و پرورش ناحیه ۱۱ و بهمکاری این اداره، برگ اخراج ۴ تن از دانش آموزان را صادر کردند. آری وحشت از آگاهی توده ها، وحشت از نفوذ بیشتر افکار انقلابی و آزاد یخواهانه و بخصوص افکار کمونیستی، حکومت را در همه سطوح به سرکوب و امیدارد حکومت به سکوت مرگبار و تسلیم جیوانانه نیاز دارد تا بتواند به عمر ننگین خویش ادامه دهد. هر روز نمای که باز شود و نور افکار مترقی و انقلابی بدرون آن راه یابد، حکومت یکمک عوامل خود میکوشد آن روزنه را مسدود سازد. حال چه در کارخانه باشد و چه در روستا، چه در ادارات و چه در مدارس و دانشگاهها. درست به همین دلیل دانشگاهها توسط حکومت تعطیل شد و شاهد بودیم که در سال گذشته برخی از مدارس باخطر سربچی معلمین و دانش آموزان انقلابی از دستورات متحانه حکومت به

منتشر شد
پرولتاریا و خلقهای جهان

متحد شوید!

لنینیسم

جلد سوم

مسکو ۱۹۳۵

مهر ۱۳۵۹

کتاب درسی برای

مدرسه حزبی

در پخش

پیکار خلق

ما را یاری رسانید

تعطیلی کشانیده شدند و بسیاری از معلمین و دانش آموزان انقلابی نیز اخراج گردیدند. هنوز نیمه اول ماه مهر است و رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغ اینکه "مدارس جای بحث نیست" میکوشد تا دانش آموزان را به مقابله یکدیگر کشانیده و سپس با شناسائی افراد مبارز و یکمک عمال خود در مدارس، مبارزین را از مدرسه اخراج نماید تا بخیال خود از نشر افکار انقلابی جلوگیری. اخراج ۴ تن از دانش آموزان مبارز دبیرستان دخترانه فاطمی نمونه بارز این امر است.

پیش بسوی جمهوری دموکراتیک خلق